



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۰/۰۴/۱۵

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

## بررسی تاثیر و عملکرد تنبیه فیزیکی دانش آموزان در یادگیری

فریده قاسمی قریه عالی

کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج

[ghasemi.farideh@gmail.com](mailto:ghasemi.farideh@gmail.com)

### چکیده

به طور کلی تنبیه در مدارس روشی ناکارآمد، خطرناک و غیرقابل قبول برای کنترل و حفظ رفتار و انضباط به نظر می رسد، زیرا پیامدهای منفی به جای مثبت در کل فرآیند آموزش و یادگیری به همراه دارد. به نظر می رسد تنبیه بدنی باعث افزایش پرخاشگری کودک، افزایش رفتار ضداجتماعی، کاهش موفقیت های فکری، افزایش کیفیت پایین رابطه والد-معلم دانش آموز و ایجاد مشکل در سلامت روان می شود. از آنجایی که تنبیه باعث غیرانسانی کردن کودکان و ایجاد احساس خجالت، شرم و بی ارزشی در طی فرآیند یادگیری و تدریس در آنها می شود، بهتر است در خانه و مدرسه حذف شود تا یادگیری مثبت تقویت شود. همچنین باید لغو شود، زیرا در حق دانش آموزان که با وقار رفتار می کنند، تداخل می کند و در نتیجه با حق تحصیل با کیفیت تداخل می کند. با این حال، هنگامی که معلم یا والدین احساس می کنند لازم است از تنبیه استفاده کنند، باید روی نکات مهم (راهنماها) تمرکز کنند تا آن را در تغییر رفتار دانش آموزان مؤثر کنند. با این وجود، باید تلاش بیشتری برای آموزش والدین و معلمان در مورد پیامدهای تنبیه بدنی و نیز جایگزین هایی که در دسترس آنها است، صورت گیرد. توجه به این نکته حائز اهمیت است که نظم و انضباط خوب مدرسه نه تنها به واکنش های غیر خوشونت آمیز به رفتار ضعیف دانش آموزان، بلکه به معلمان ماهر و آموزش دیده بستگی دارد. در این پژوهش به بررسی تنبیه بدنی دانش آموزان و تاثیر آن بر یادگیری می پردازیم.

**واژگان کلیدی:** تنبیه بدنی، یادگیری، تنبیه فیزیکی، آموزش و پرورش



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## مقدمه

معلمان در مدارس و والدین در منازل از تنبیه به عنوان یکی از مهمترین ابزارهای کنترل رفتار و انضباط دانش آموزان استفاده می کنند. از دیدگاه روان‌شناختی، تنبیه به هر چیزی گفته می‌شود که وقوع یک رفتار را کاهش دهد. درد جسمانی، کنار گذاشتن توجه، از دست دادن چیزها یا فعالیت‌ها، توبیخ یا حتی چیزی که دیگران آن را پاداش می‌دهند، اما فرد خاص آن را دوست ندارد (Lefton, 2002; Kosslyn & Rosenberg, 2002).

یکی از اهداف اصلی تنبیه ایجاد ترس در دانش آموز است تا این رفتار دوباره تکرار نشود. در مدرسه، معلمان دانش‌آموزان را به دلیل دیر رسیدن به مدرسه، رعایت نکردن قوانین مدرسه، انجام ندادن تکالیف کلاسی و عدم عملکرد بهتر در آزمون‌ها و امتحانات و موارد مشابه تنبیه می‌کنند (URT, 2006).

نوع تنبیهی که در پاسخ به این رفتارها داده می‌شود عبارتند از: چوب زدن کودک، انجام کارهای بدنی مانند آبیاری باغات مدرسه، کشاورزی، زانو زدن روی سنگ‌های سیمانی، راه رفتن روی زانو، انجام حرکات فشاری زیر نور خورشید و حمل چند سطل ماسه. مدرسه تنها جایی نیست که کودکان در آن تنبیه می‌شوند. در خانه هم وقتی به مدرسه نمی‌روند توسط پدر و مادرشان کتک می‌زنند، دزدی و امثال اینها می‌کنند. کودکان در خانه توسط والدین خود از طریق انکار غذا، سوزاندن دست‌ها با آتش برای دزدی و بدرقه شدن از خانه برای خوابیدن در بوته تنبیه می‌شوند (URT, 2006).

علیرغم اینکه تنبیه تکنیکی مناسب برای کنترل رفتار و انضباط دانش‌آموزان به نظر می‌رسد، کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق کودک اذعان کرده است که تنبیه بدنی معلمان و والدین در مدارس و خانه‌ها ناکارآمد، خطرناک و غیرقابل قبول به نظر می‌رسد. روش نظم و انضباط زیرا تأثیرات منفی به جای مثبت برای یادگیرندگان به ارمغان می‌آورد. با توجه به این تأثیرات، کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل تنبیه بدنی را ممنوع اعلام کرد. بند ۲ ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد (۱۹۸۹) ضرورت اطمینان از اجرای نظم و انضباط مدرسه را به گونه‌ای بیان می‌کند که با کرامت انسانی کودک و مطابق با این کنوانسیون سازگار باشد. بنابراین، مجازات شدید در این زمینه فراتر از نقض حقوق اساسی کودک است زیرا ممکن است باعث درد، آسیب، تحقیر، اضطراب و خشم شود که می‌تواند اثرات روانی طولانی مدت داشته باشد (TEN/Met, 2008).

با توجه به این واقعیت، کمیته حقوق کودک، نهاد ناظر کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد تأکید کرده است که حقوق بشر مستلزم حذف کلیه مجازات‌های بدنی هر چند سبک و سایر مجازات‌های ظالمانه یا تحقیرکننده است. در واکنش به این کنوانسیون، چندین کشور اعلام کرده‌اند که تنبیه بدنی در مدارس را لغو می‌کنند. علیرغم تغییرات در قوانین مربوط به تنبیه بدنی، اعمال تنبیه بدنی هنوز در مدارس برخی کشورها رایج است که در آن دانش‌آموزان را کتک می‌زنند، لگد می‌زنند، سیلی می‌زنند، به دیوار پرتاب می‌کنند و تحقیر می‌کنند. این وضعیت تأثیرات منفی زیادی بر یادگیری و سلامت روانی کودک دارد (Murphy & Vagins, 2010).



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## انواع مجازات

دو نوع اصلی مجازات وجود دارد، مجازات مثبت و منفی. تنبیه مثبت به تنبیهی اطلاق می شود که با اعمال محرک های نفرت انگیز، احتمال عود رفتار را کاهش می دهد. در این نوع تنبیه، بروز رفتار با ارائه محرک بدی همراه است و در نتیجه احتمال بروز رفتار در آینده کمتر می شود. نمونه ای از تنبیه مثبت سیلی زدن است. سیلی زدن به عنوان یک تنبیه مثبت در نظر گرفته می شود، زیرا شامل ایجاد درد می شود تا به کودک بیاموزد که بدرفتاری نکند. از سوی دیگر، تنبیه منفی به تنبیهی اطلاق می شود که با حذف یک محرک لذت بخش، احتمال وقوع رفتار را کاهش می دهد. به این معنی که وقوع رفتار با حذف یک محرک تقویت کننده دنبال می شود و در نتیجه احتمال وقوع رفتار در آینده کمتر است. نمونه ای از تنبیه منفی زمانی است که معلم کودکی را به دلیل بدرفتاری از کلاس حذف می کند یا زمانی که والدین در مدرسه نمره ضعیفی می گیرد کودک را از تماشای تلویزیون منع می کند. (Westen, 1999)

## تنبیه بدنی

تنبیه بدنی یکی از چالش های اصلی دسترسی عادلانه مدارس ابتدایی و پس از دبستان به آموزش با کیفیت است. در حال حاضر تعداد زیادی از دانش آموزان ترک تحصیل کرده اند. این وضعیت نامطلوب به دلیل مشکلات زیادی از جمله استفاده رایج در مدارس از تنبیه بدنی است. نرخ بالای ترک تحصیل نه تنها برای نرخ فارغ التحصیلی بلکه برای دستیابی مدارس به برابری جنسیتی نیز چالش برانگیز است. در حالی که تنبیه بدنی، دختران بیشتر از بی توجهی و آزار و اذیت کودک رنج می برند. "هر مجازاتی که توسط قدرت برای ایجاد درد یا ناراحتی استفاده شود، در حالی که روشن باشد، توسط کمیته حقوق کودکان سازمان ملل متحد، ۲۰۰۶، به عنوان تنبیه بدنی توصیف شده است."

اصطلاح "تنبیه بدنی" یا "تنبیه بدنی" به معنای هر تنبیهی است که ممکن است شامل لگد زدن، ضربه زدن، مشت زدن، کتک زدن نوزاد، دست یا ابزار کودک (چسبیدن، بستن کمربند، کفش، قاشق چوبی و غیره) باشد که منجر به هر درجه ای از درد شود. یا ناراحتی تنبیه بدنی امکان تنبیه بدنی مانند رنج عمدی و انتقام احتمالی برای بی عدالتی یا قصاص یا دگرگونی افراد خاطی یا داشتن رفتارهای ناخوشایند را فراهم می کند. این کلمه معمولاً به معنای مجازات فرد خاطی در محیط های خصوصی، آموزشی یا قضایی با دست یا ابزار باز است (Hyman, 1995).

تنبیه بدنی را می توان به عنوان "استفاده از نیروی فیزیکی برای اصلاح یا کنترل رفتار کودک برای ایجاد درد اما نه آسیب" توصیف کرد. گرشوف (۲۰۰۲) بیشتر توضیح می دهد که تنبیه بدن به عنوان اعمالی گفته می شود که آسیب جدی نمی بیند (مانند سیلی زدن، سیلی زدن) به عنوان خشونت فیزیکی در نظر گرفته می شود، در مقابل فعالیت هایی که باعث آسیب می شوند (مانند مشت زدن، سوزاندن). (Gershoff 2002).

تنبیه معمولاً شامل نوعی درد است، یک تکنیک انضباطی که در آن، پس از یک اشتباه، اصلاحات ناخوشایند یا سازنده از نظر پیترسون (۱۹۸۲) خودداری می شود تا در آینده با بروز کمی اتفاق بیفتد. همه آن اقدامات انضباطی سختگیرانه که توسط والدین مستبد / سرکوبگر و معلمان کودکان انجام می شود منجر به رفتارهای ضد اجتماعی، شکست دانشگاه و طرد اجتماعی می شود. هر دو علامت همچنین باعث کاهش عزت نفس و تشدید افسردگی می شوند که در واقع به خطر جنایت جوانان کمک می کند (Patterson 1982).



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## تنبیه بدنی در مدارس

تنبیه بدنی مشمول قانونی است که والدین را موظف می‌کند که مدرسه به دانش‌آموزان مانند والدینشان حق دارد. مقامات رسمی باید شفاف سازی کنند، در مناطقی که تنبیه بدنی مجاز است، چه چیزی می‌تواند به عنوان یک اقدام انطباق استفاده شود. اعضای کارکنان مسئول سکتته های مغزی هستند و تصمیم گرفته می‌شود که آیا با آنها تماس گرفته شود یا به والدین یا سرپرستان سکتته ها اطلاع داده شود. بستگی به برنامه ریزی دقیق قوانین و اجرای دقیق آنها دارد. این به آنها اجازه می‌دهد تا قانون را تحت پیگرد قانونی قرار دهند (Hyman, 1995).

تنبیه بدنی تحقیر عمدی یک نوزاد متخلف است. کودکان ممکن است از هر بیماری رنج ببرند، اما این نوعی تنبیه غیر فیزیکی است. سلامت آنها قابل توجه است. اگر کودک در حین زخم درد داشته باشد، درد عمداً ایجاد نمی‌شود، بلکه در فرآیندهای بهبود و آسیب اعمال می‌شود. تنبیه بدنی صرفاً در اجرای مجازات است (McCord, 1991).

تنبیه بدنی در تحقیقات متعددی مورد توجه قرار گرفته و گنجانده شده است که منجر به اعمال غیرقانونی مانند سرقت، فرار از مدرسه، فرار و رفتار مدرسه و همچنین رفتارهای اجتماعی مانند فریب، دزدی و قلدری می‌شود. وقتی معلمان و والدین به دنبال کاهش رفتار کودک خود هستند، تنبیه بدنی ظاهر می‌شود. همین خاطرنشان کرد که مدعیانی وجود دارند که فکر می‌کنند اهمیت تنبیه شرکتی برای آموزش بسیار مهم است و مزیت آن برای کودکان کتک زدن و ضرب و شتم است زیرا ارزش های احترام به والدین و معلمان در صورت عدم سیلی قابل دستیابی نیست. ارزش ها به شرح زیر است: عشق به والدین و معلمان، حس خوب و بدترین (Hyman, 1995).

علاوه بر این، اهیمن (۱۹۹۵) می‌پذیرد که شواهدی مبنی بر اینکه تنبیه بدنی در مدارس به نظم و انضباط بهتر کمک می‌کند، ایجاد اخلاق در کودکان را بهبود می‌بخشد، یا احترام معلمان یا سایر اقتدارها را توسط دانش‌آموزان افزایش می‌دهد، روشن نیست. از آنجایی که کودک را به روش صحیح و بدون استفاده از اعمال جایگزین تربیت نمی‌کند.

بیشتر مربیان با چالش های انضباطی فراتر از دانش و مهارت های خود مواجه هستند. معلمان سعی کرده اند در پاسخ به این نیاز، راه حل هایی برای برخی از مسائل رشته ای بیابند. به عنوان مثال، برخی مدارس به جز تنبیه بدنی در معرض جایگزین هایی قرار می‌گیرند که برای جامعه آنها مفید است، مانند کارگروه بعدازظهر شنبه، مشروبات الکلی سالم و توصیه والدین، انتقال دانش‌آموزان به مدارس تایید شده یا مداخله پلیس در موارد جنایت شدید (Hyman, 1995).

رافرتی و گریفینز (۱۹۹۶) معتقد بودند که تنها راه حل برای یک جرم شدید، درمان است و نه تنبیه بدنی. تعلیق تنها در صورتی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد که مهاجم برای دانش‌آموزان دیگر مورد آزار و اذیت قرار دهد یا مثالی منفی ارائه دهد. همچنین رویکردهای مختلفی را برای رفتار مخرب مطرح کرده اند. رفتار خوب، اگرچه رفتار بد، باید پاداش داده شود. مشاوره همچنین می‌تواند توسط مدیران مدرسه و خدمات شبانی استفاده شود. معلمان به عنوان راهنما و مشاور برای دانش‌آموزان دارای مشکل عمل می‌کنند. آنها همچنین انضباط کنندگان افرادی هستند که نگران اقدامات هستند. انضباط نادرست ممکن است شامل دستگیری یا تعلیق باشد (Rafferty and Griffins, 1996).

گیچورو (۲۰۰۴) پیشنهاد کرد که معلمان به دنبال یک تاکتیک انضباطی برای لغو این امتیازات باشند. معلمان همچنین می‌توانند برنامه هایی را انتخاب کرده و از آنها بهره ببرند که برای دانش‌آموزان مفید است. چنین رویدادهایی شامل گروه بحث، مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت های آموزشی یا شعر برای اهداف آموزشی است (Gichuru, 2004).



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## نظریه های مجازات

سه نظریه وجود دارد که مجازات را در مورد یادگیری توصیف می کند. تئوری های اصلاح، تلافی و بازدارندگی. نظریه اصلاح، مجازات را تنها راه ممکن برای اصلاح یا بازآفرینی یک فرد می داند. فرض بر این است که تنبیه اثرات اصلاحی بر یادگیری دارد. به همین ترتیب، این نظریه فرض می کند که پس از اجرای مجازات، رفتار بد سرکوب می شود، زیرا فرد مجازات شده تظاهر به تکرار رفتار نادرست نخواهد کرد (Tarimo, 2006).

در مقابل، تئوری قصاص نظریه ای است که بر قانون قصاص یعنی انتقام استوار است. این میل است که ببینیم دیگران به خاطر عمل اشتباه خود رنج می برند یا مجازات می شوند. بر اساس این نظریه، اگر تنبیه بدنی منجر به جراحت یا مرگ شود، این وضعیت شورش، مقاومت، انتقام و رنجش را برای قربانیان تقویت می کند. تئوری قصاص اصرار دارد که تنبیه شدید ممکن است باعث ایجاد روابط منفی بین دانش آموز و معلم شود، زیرا دانش آموز می تواند راه های متفاوتی برای مقابله به مثل (چشم در برابر چشم یا دندان در برابر مفهوم دندان) برای عملی که مجازات شده است بیابد (Cicognani, 2004).

نظریه بازدارندگی مجازات بر این فرض استوار است که در صورت مشاهده یا شنیدن مجازات شدید مجرمان، در آینده از انجام آن جرم خودداری خواهند کرد. همچنین فرض می کند که تنبیه خشونت آمیز دانش آموز در مقابل دیگران، درس آموزی برای دانش آموزان دیگر خواهد بود. در جامعه امروزی معلمان و قضات با این جمله که «ما شما را به خاطر انجام این تخلف مجازات می کنیم تا درسی برای دیگرانی باشد که رفتار نادرست دارند» مجازات سختی برای افرادی که مرتکب تخلف می شوند، در نظر می گیرند (Cicognani, 2004).

گرشوف (۲۰۰۲) دو نظریه را اضافه می کند که مجازات را توضیح می دهد. تئوری اسناد و کنترل اجتماعی نظریه اسناد بیان می کند که ارتباط بین تنبیه بدنی و رفتار بزهکارانه یا ضد اجتماعی کودک ناشی از ناتوانی تنبیه بدنی در تسهیل درونی سازی اخلاقی و ارزشی کودکان است. در حالی که تئوری کنترل اجتماعی نشان می دهد که تنبیه بدنی والدین روابط والدین-کودک را از بین می برد و به نوبه خود انگیزه کودک را برای درونی کردن ارزش های والدین و ارزش های جامعه کاهش می دهد که به نوبه خود منجر به کنترل پایین بر خود می شود. (Gershoff, 2002)

## استدلال موافق و مخالف استفاده از مجازات

افراد مختلف مانند معلمان، والدین و سایر مربیان نظرات متفاوتی در مورد مجازات دارند. کسانی هستند که از استفاده از تنبیه به ویژه تنبیه بدنی حمایت می کنند و مخالف هستند. کسانی که از استفاده از تنبیه حمایت می کنند، معتقدند که اگر کودکان تنبیه نشوند، به شهروندانی غیرقابل کنترل و غیرقابل کنترل تبدیل می شوند. برای مثال، در کلاس های بزرگ، زمانی که معلمان در حفظ سکوت و دستورالعمل ها مشکل دارند، تنبیه را روشی مناسب برای برخورد با نظم می دانند. Gershoff (2002)

در این زمینه معلمان بر این باورند که دانش آموزان بدون استفاده از تنبیه بدنی سکوت نخواهند کرد و بر یادگیری تمرکز نخواهند کرد. علاوه بر این، برخی از والدین احساس می کنند که خودشان مجازات می شوند و بنابراین مدارس باید به این سبک از تنبیه ادامه دهند. در جنوب آسیا، کنیا و بوتسوانا، تنبیه اغلب برای تربیت کودکان، تسهیل یادگیری و القای نظم و انضباط



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

ضروری تلقی می شود. در برخی از کشورها مانند استرالیا، معلمان از ممنوعیت تنبیه بدنی ناراضی هستند و می ترسند که باعث شود دانش آموزان پرخاشگرتر شوند. (Cicognani, 2004)

افرادی که مخالف استفاده از تنبیه بدنی هستند، اثرات مضر تنبیه (تنبیه بدنی) را نه تنها در دوران کودکی ماندگار می دانند، بلکه اغلب تا بزرگسالی نیز باقی می ماندند. آنها همچنین معتقدند که تنبیه کودکان را غیرانسانی می کند، حق کودکان را برای حمایت برابر تحت قانون نقض می کند و پیامدهای منفی به جای مثبت برای کودکان دارد. آنها عموماً بر این باورند که تنبیه کودکان را بی ارزش، ترسان و شرمنده می کند، پرخاشگری کودک را افزایش می دهد، رفتار ضد اجتماعی را افزایش می دهد، دستاوردهای فکری را کاهش می دهد و می تواند منجر به مشکلات سلامت روان شود. بنابراین، آن افراد از کمپین لغو تنبیه بدنی حمایت و حمایت می کنند. برخی از کشورها نمایندگان پارلمان خود را متقاعد می کنند که اقدامات قانونی و حمایتی لازم برای لغو کلیه مجازات های بدنی را اتخاذ کنند. تنبیه بدنی کودکان در مدرسه در حال حاضر در (۱۰۸ کشور) بیش از نیمی از کشورهای جهان ممنوع است. (Gazzaniga, 2003)

## راهنمای استفاده درست از تنبیه

اکثر روانشناسان بر این باورند که تنبیه، به ویژه تنبیه بدنی، روشی ضعیف برای از بین بردن رفتارهای ناخواسته در بیشتر موقعیت ها است. با این حال، مواقعی وجود دارد که ممکن است برای مدیریت رفتار یک کودک یا حتی بزرگسال دیگر، تنبیه لازم باشد. هنگامی که باید از تنبیه استفاده شود، این دستورالعمل ها را باید در نظر داشت:

یکی از نکات مهم این است که تنبیه کننده بدون اینکه توهین آمیز باشد باید مطمئن شود که تنبیه بلافاصله و به اندازه کافی قابل توجه است تا پاسخ نامطلوب را از بین ببرد. برای معلم یا والدین مهم است که تنبیه را مستقیماً پس از ارتکاب اشتباه دانش آموز اجرا کنند، نه ساعات دیروقت. این کار باید به منظور حفظ رابطه واضح بین رفتار ناخواسته و تنبیه انجام شود. با این حال، کون (۲۰۰۱) استدلال می کند که اعمال تنبیه در حین یا بلافاصله پس از بدرفتاری همیشه امکان پذیر نیست. اما در مورد کودکان بزرگتر و بزرگسالان، یک تنبیه کننده می تواند با بیان واضح اینکه چه اقدامی را تنبیه می کنید، تاخیر را برطرف کند. در واقع اثربخشی مجازات بستگی زیادی به زمان بندی دارد. مجازاتی که بلافاصله پس از پاسخ صادر می شود موثرترین است. هر چه تأخیر بین پاسخ و تنبیه بیشتر باشد، تغییراتی که مجازات با سایر رویدادهای مداخله گر مرتبط می شود، بیشتر می شود (McNeil & Rubin, 1977).

برای اطمینان از اثربخشی آن، تنبیه باید همراه با توضیحی در مورد اینکه چرا کودک تنبیه می شود و چگونه می توان از آن برای آینده اجتناب کرد و یا اینکه چه نوع رفتاری مناسب است، همراه معلم یا والدین باید این اطلاعات را قبل از اجرای تنبیه بدهند اما نه بعد از اجرای مجازات. ارائه توضیحات به جلوگیری از ایجاد ترس عمومی از تنبیه کننده کمک می کند و به تغییر رفتار کمک می کند و به خوبی درک می کند که انجام چنین رفتاری در آینده اصلاً مناسب نیست. همچنین کودک را قادر می سازد تا یک عمل را به درستی با تنبیه مرتبط کند. با این حال، وستن (۱۹۹۹) اصرار دارد که تنبیه زمانی مؤثرتر است که با استدلال همراه باشد و زمانی که فرد تنبیه شده برای رفتار جایگزین و قابل قبول نیز تقویت شود (Bernstein & Nash, 2002).

از سوی دیگر، تنبیه نباید شامل آزار فیزیکی باشد. به این معنا که مجازات کننده باید از تنبیه شدید بدنی اجتناب کند. در



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

عوض او می تواند از حداقل مجازات لازم برای سرکوب رفتارهای نادرست استفاده کند. بدیهی است که تنبیه بدنی می تواند زمانی که در حالت عصبانیت انجام می شود آزاردهنده باشد زیرا کودکان تمایل دارند آنچه را که می بینند تقلید کنند. از این رو ممکن است بسیار پرخاشگر شوند. تنبیه بدنی در این زمینه باید به عنوان آخرین راه حل مورد استفاده قرار گیرد. سلب امتیازات یا تقویت کننده های مثبت معمولاً برای کودکان بهتر از تنبیه بدنی است. (Coon, 2001; Kosslyn & Rosenberg, 2002)

یک تنبیه کننده همچنین باید در اجرای مجازات ثابت قدم باشد. او باید در مورد آنچه که به عنوان رفتار نادرست می داند کاملاً واضح باشد. این بدان معناست که هر بار که رفتار ناشایست رخ می دهد باید مجازات شود. اگر تنبیه به طور متناقض یا بدون اشاره به رفتار ارگانسیم انجام شود، ممکن است منجر به درماندگی آموخته شده، واکنش فردی شود که در کنترل مجازات احساس ناتوانی می کند و بنابراین به هیچ وجه از دادن هرگونه واکنشی دست می کشد. به همین ترتیب، استفاده مکرر از تنبیه توسط معلم یا والدین ممکن است کودک را از یادگیری اینکه چه رفتاری تنبیه می شود، تحت چه شرایطی و چگونه از آن اجتناب کند، باز دارد. (Lefton, 2002; Westen, 1999)

همچنین برای مؤثر و معنادار کردن آن، تنبیه باید با تقویت مثبت دنبال شود تا رفتار مناسب کنترل و حفظ. اگر تنبیه با تقویت رفتار بعدی که مناسب تر است دنبال نشود، موفقیت چندانی حاصل نخواهد شد. به طور خلاصه، تقویت رفتار مطلوب، تکنیک مناسب تری برای اصلاح رفتار نسبت به استفاده از تنبیه است. درک این نکته بسیار مهم است که تقویت مثبت و منفی جنبه های حیاتی در تغییر رفتار پس از اجرای مجازات هستند. به عنوان مثال، معلمان و والدین ممکن است به پاداش رفتار خوب کودک و نادیده گرفتن رفتار نادرست کودک اشاره کنند. (Feldman, 2005)

## تأثیر تنبیه بر یادگیری دانش آموزان

تنبیه، به ویژه تنبیه بدنی، یکی از زمینه های نگرانی مدارس و مسئولان مدرسه است، زیرا مشخص شده است که تأثیر منفی بر عملکرد تحصیلی دارد. علیرغم این واقعیت، مجازات نیز تأثیرات مثبتی دارد. از این رو، در زیر به تأثیرات منفی و برخی مثبت تنبیه بر یادگیری دانش آموزان اشاره می شود. تنبیه باعث ایجاد ترس در دانش آموزان به ویژه در طول فرآیندهای تدریس و یادگیری می شود. (URT, 2006)

کودکان صرفاً یاد می گیرند که معلم را خشنود سازند و نه کسب مهارت و دانش برای رشد خود. تنبیه بدنی تحت تأثیر ترس انگیزه دانش آموز را برای یادگیری مخدوش می کند. دانش آموزانی که مورد آزار جسمی و عاطفی قرار می گیرند دچار اضطراب می شوند که باعث از دست دادن تمرکز و یادگیری ضعیف می شود. کون (۲۰۰۱) استدلال می کند که اگر مدرسه به محیطی اضطراب زا برای دانش آموز تبدیل شود، این احتمال وجود دارد که عملکرد تحصیلی تأثیر منفی بگذارد. به همین ترتیب، دانش آموزی که تنبیه می شود، ترس را نه تنها با رفتار نامطلوب، بلکه با فردی که آن را اجرا می کند یا با موقعیتی که در آن رخ می دهد، مرتبط می کند. معلمی که تنبیه بدنی را اجرا می کند، دانش آموز را قادر می سازد تا علاقه خود را نسبت به موضوع از دست بدهد و نسبت به معلم و همچنین کلاس هایی که معلم اداره می کند، احساسات منفی داشته باشد. از این رو دانش آموز نمرات پایینی می گیرد (Coon, 2001).

با این وجود، معلمانی که در کلاس فقط یک چوب به همراه دارند، به طور قابل توجهی بر یادگیری دانش آموزان تأثیر می



گذارد. مطالعه انجام شده توسط کولنیا توجه به تنبیه بدنی نشان داد که معلمانی که در حالی که چوبی در دست دارند وارد کلاس می شوند باعث ترس و لرز در کودکان می شوند. این وضعیت باعث می شود که دانش آموزان در یادگیری توجهی نکنند. به دلیل ترس، گاهی اوقات دانش آموزان ممکن است به طور مؤثر در ارائه مشارکت، ایده ها، تجربیات و نظرات در مورد آنچه که در رابطه با درس می دانند شرکت نکنند. (URT, 2006)

معلمی که تنبیه بدنی را اجرا می کند ممکن است توسط دانش آموز اجتناب شود، وضعیتی که ممکن است رشد آموزشی کودک را مختل کند. در برخی موارد، دانش آموز حتی ممکن است برای اجتناب از معلم از حضور در مدرسه خودداری کند. مطالعات نشان می دهد که تنبیه بدنی دلیل مستقیم و قابل توجهی برای ترک تحصیل کودکان است. بسیاری از کودکانی که در معرض کتک زدن، دست و پا زدن یا سایر اعمال انضباطی قرار گرفته اند، گزارش داده اند که اغلب از فعالیت های مدرسه کناره گیری می کنند و از فعالیت های تحصیلی خودداری می کنند. (URT, 2006)

## جایگزین های تنبیه بدنی

از آنجایی که تنبیه بدنی روشی ناکارآمد، خطرناک و غیرقابل قبول برای کنترل و نگهداری انضباط به نظر می رسد، بهتر است جایگزینی برای آن داشته باشیم. به منظور حصول اطمینان از حداکثر رفتار و رفتار مثبت در مدرسه و خانه، والدین و معلمان باید به این گزینه ها نگاه کنند.

یکی از راه های جایگزین ممکن برای مجازات، سلب امتیازات است. این نوع تنبیه می تواند برای مثال عدم تماشای تلویزیون باشد، به خصوص برای دانش آموزی که به دلیل تمرکز زیاد در تماشای برنامه های تلویزیونی مختلف به جای یادگیری، موفق نمی شود یا نمره پایین می گیرد. گاهی اوقات این امر می تواند شامل محدود کردن کودکان برای ملاقات دوستان یا عدم دریافت پول توجیبی باشد، در صورتی که به نظر می رسد همه این موارد عامل شکست او در کل فرآیند یادگیری باشد. با این کار، کودک می تواند با صرف زمان زیادی برای مطالعه رفتار خود را تغییر دهد تا عملکرد خوبی داشته باشد. (Garshoff, 2002)

والدین و دانش آموزان باید با دقت در تصمیم گیری در مورد مسائل مدرسه مشارکت داشته باشند. این موضوعات شامل تدوین و اجرای اهداف آموزشی و قوانین انضباطی همراه با حمایت رفتاری مثبت در صورت لزوم است. مشارکت والدین در تصمیم گیری ممکن است به آنها کمک کند تا از قبل با معلمان تصمیم بگیرند که چگونه می توانند رفتارهای خوب را پاداش دهند و رفتارهای غیرقابل قبول را تنبیه کنند و بعداً قصدشان را با دانش آموزان در میان بگذارند. با این حال، به والدین و معلمان توصیه می شود که راه هایی را برای مربیگری دانش آموزان بداخلاق به ویژه از طریق تقویت نگرش مثبت دانش آموز مشکل دار با تحسین و تمجید ایجاد کنند (Garshoff, 2002)

مدارس باید مقدار زیادی از مشاوران در مدرسه داشته باشند تا به معلمان کمک کنند تا دانش آموزان مشکل دار خود را به بزرگسالان دلسوز دیگری دسترسی دهند زیرا می توانند مدیریت خود و همچنین کنترل خشم و تکانه را به ویژه برای کودکان کوچکتر ارتقا دهند. استفاده از تنبیه بدنی در مدارس و افزایش فضای آموزشی بهتر مدرسه برای همه دانش آموزان خواهد بود. بنابراین، دانش آموزان مدرسه، معلمان و موضوعی که تدریس می کنند را دوست خواهند داشت. انصراف از تحصیل نیز زمانی کاهش می یابد که مدارس با مشاورانی برای کمک به معلمان و دانش آموزان در حل مشکلات و استرس هایشان کمک کنند، که





# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

ممکن است آنها را مجبور به اعمال تنبیه برای دانش‌آموزان خود کند. (Garshoff, 2002)

وقت استراحت نیز تکنیک مناسبی است که معلمان می‌توانند از آن برای حفظ نظم در کلاس به جای اعمال تنبیه بدنی استفاده کنند. تایم اوت روشی است که در آن کودک از موقعیت خارج می‌شود و به عواقب رفتار توهین آمیز فکر می‌کند. وین (۱۹۹۲) به سه نوع عمده از زمان استراحت اشاره می‌کند. فرم اول، زمان خروج غیرحذف (دانش‌آموزان مجاز به مشاهده فعالیت‌های در حال انجام هستند اما شرکت نمی‌کنند)، شکل دوم، زمان محرومیت (مستثنی کردن دانش‌آموزان از شرکت در کلاس و مشاهده فعالیت‌های جاری کلاس بدون حذف دانش‌آموز از کلاس درس و سوم از انزوا است (دانش‌آموز برای مدت زمان از پیش تعیین شده در یک منطقه جداگانه قرار می‌گیرد). برای مؤثر بودن، مهلت زمانی باید ثابت باشد و نباید بیش از حد طول بکشد. معلم همچنین باید سعی کند قبل از اینکه واقعاً آن را برقرار کند، هشدارهای کمی در مورد زمان استراحت بدهد و توضیح مختصری از رفتار نادرست و رفتار مورد نظر را دنبال کند. نارین (۱۹۹۹) چهار راهنمای اصلی را برای استفاده از زمان استراحت پیشنهاد می‌کند که زمان استراحت باید فقط به نحوی متناسب با تمرین و پشتیبانی توصیه شده استفاده شود. با توجه به شدت رفتار، باید یک کارکرد آموزشی مشروع داشته باشد، باید سیاست‌های محلی (منطقه، مدرسه، آژانس) را با دستورالعمل‌های ایالتی در مورد استفاده از وقت استراحت همسو کند و رویه‌های کلاسی مکتوب باید قبل از استفاده از وقت استراحت ایجاد شود. (Nairne, 1999)

تنبیه را می‌توان با استفاده از تقویت مثبت جایگزین کرد. روانشناسان اصرار دارند که تنبیه به خودی خود روش مؤثری برای کنترل یا حذف رفتار نیست و توصیه می‌کنند رفتار کلاسی کودکان از طریق تقویت تقویت شود. به عنوان مثال، معلمان در کلاس ممکن است دانش‌آموزان را با قدردانی از عملکرد عالی او در خواندن یک درس، تقویت کنند. در مؤسسات آموزشی تانزانیا، دانش‌آموزانی که عملکرد خوبی از خود نشان می‌دهند، بر اساس آیین‌نامه مدرسه یا مؤسسه پاداش دریافت می‌کنند. اما در برخی مدارس آن دسته از دانش‌آموزانی که در آزمون‌ها و آزمون‌های مختلف عملکرد ضعیفی دارند، مورد تنبیه بدنی قرار می‌گیرند. این به این دلیل است که رهبران مدرسه این تصور را دارند که تنبیه بدنی دانش‌آموزان را قادر می‌سازد تا برای اجتناب از آنها تلاش کنند تا یاد بگیرند. اظهار می‌دارد که وقتی معلمان کودکان را به شیوه‌های مثبت و بدون خشونت تنبیه می‌کنند، کودکان یاد می‌گیرند که تعارض را می‌توان بدون تضعیف این احترام حل کرد. (Nairne, 1999)

## نتیجه گیری

این مطالعه با هدف بررسی تاثیرات تنبیه بدنی بر میزان یادگیری دانش‌آموزان از نوع مروری کتابخانه‌ای است که به بررسی مسائل مختلف در رابطه با تنبیه بدنی و یادگیری می‌پردازد. در این پژوهش نظریه‌های اصلاح، قصاص، بازدارندگی، اسناد و کنترل اجتماعی مجازات به طور جامع توضیح داده شده است. از سوی دیگر، این مقاله به استدلال‌های ارائه شده توسط کسانی که از استفاده از تنبیه در خانه‌ها و مدارس حمایت می‌کنند و مخالف آن هستند اشاره می‌کند. در این مقاله نکات مهم در استفاده از تنبیه، تاثیرات تنبیه بر یادگیری دانش‌آموزان و نیز جایگزین‌های مختلف تنبیه بدنی مورد بررسی قرار گرفته است. این مقاله نتیجه می‌گیرد که تنبیه بدنی باید حذف شود زیرا یادگیری مثبت دانش‌آموزان را افزایش نمی‌دهد در عوض پیامدهای منفی زیادی برای معلمان و دانش‌آموزان به همراه دارد.

باید یک آموزش حیاتی و کافی برای معلمان وجود داشته باشد تا به آنها کمک کند تا به طور مؤثر کنترل کلاس را بدون توسل



به تکنیک های خشونت آمیز یا تهاجمی حفظ کنند. این را می توان از طریق ارائه آموزش های پیش از خدمت و حین خدمت به معلمان با توانایی به کارگیری تکنیک های مدیریت رفتار که تعامل اجتماعی کلاس درس را در بین دانش آموزان ترویج می کند، انجام داد، این همچنین باعث ایجاد یک محیط یادگیری مثبت برای آن دانش آموزان می شود. کیم (۱۹۹۹) معتقد است که یکی از بهترین راه های جایگزین برای تنبیه، ارائه برنامه های ضمن خدمت در زمینه ارتباطات، مدیریت کلاس درس، درک رفتار و تفاوت های فردی و راه های جایگزین برای مقابله با بد رفتاری به جای استفاده از تنبیه بدنی است. (Kim, 1999).

همچنین برای معلمان مهم است که از تکنیک اصلاح رفتار برای تقویت رفتار خوب به جای استفاده از تنبیه استفاده کنند. اصلاح رفتار شامل استفاده از تکنیک های تقویت مثبت است که به رفتار مناسب پاداش می دهد و تکنیک های غیر خشونت آمیز را توسعه می دهد. همچنین شامل مشاهدات معلم از کودک، خاموش کردن رفتار نامناسب و استفاده از سیستم پاداش برای تشویق رفتار انطباقی در کلاس است. وستن (۱۹۹۹) اصرار دارد که اگر معلمان دانش آموزان خوش رفتار را توصیه کنند و به آنها جایزه یا جایزه بدهند، دانش آموزان بیشتری سعی می کنند به یک فرد نمونه در مدرسه تبدیل شوند. در این جنبه، مدارس و معلمان باید تشویق شوند تا حمایت رفتاری مثبتی را توسعه دهند که در کاهش نیاز به نظم و انضباط خشن و در عین حال حمایت از یک محیط آموزشی ایمن و سازنده به جای تکیه بر تاکتیک های انضباطی خشن و تهدیدآمیز مؤثر بوده است. (Westen, 1999).

## منابع

1. Lefton, L.A (2002) Psychology (7th ed). Boston: a Pearson education company.
2. Kosslyn, S.M., & Rosenberg, R.S. (2002). Fundamentals of Psychology: The Brain, The Person, The World: New York: Person Education, Inc
3. URT (2006). Ministry of Community Development and Gender and Children. Initial Tanzania Report to the African Committee of Experts on the African Charter on the Rights and Welfare of the Child.
4. TEN/MET. (2008). Position Paper: The State Of Child Protection in Tanzania "Key Articles In The Convention on The Rights of The Child About The Treatment Of Children In The Society.
5. Murphy, L.W., & Virgins, D.J (2010). "Corporal Punishment on Schools and Its Effects on Academic Success. Retrieved in aril 22nd 2010 from <http://www.aclu.org/human-rights-justice/violent-educaiton-corpora-punishment-children-us-public-schools>
6. Westen, D. (1999). The scientific status of unconscious processes: Is Freud really dead?. Journal of the American Psychoanalytic Association, 47(4), 1061-1106.
7. Hyman Jr, I. E., Husband, T. H., & Billings, F. J. (1995). False memories of childhood experiences. Applied cognitive psychology, 9(3), 181-197.
8. Gershoff, E.T. (2002). Corporal Punishment by Parents and Associated Child Behavior. Psychological Bulletin, 128 (4), 539-579
9. Patterson, G. R., Chamberlain, P., & Reid, J. B. (1982). A comparative evaluation of a parent-training program. Behavior therapy, 13(5), 638-650.
10. McCord, J. (1991). Family relationships, juvenile delinquency, and adult criminality. Criminology, 29(3), 397-417.
11. Rafferty, Y., & Griffin, K. W. (2005). Benefits and risks of reverse inclusion for preschoolers with and without disabilities: Perspectives of parents and providers. Journal of Early Intervention, 27(3), 173-192.
12. Gichuru, M. (2004). The teacher efficacy for inclusive practices (TEIP) scale: Dimensionality and factor structure. Journal of Research in Special Educational Needs, 16(1), 2-12.
13. Tarimo, P.J. (2006). Determinants of the Attitudes of Primary School Teachers towards Corporal Punishment. M.A (Applied Social Psychology). University of Dar Es Salaam.
14. Cicognani, L. (2004) To Punish Or Discipline? Teacher's Attitudes towards the Abolition of Corporal Punishment. Johannesburg



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

15. Gazzaniga, M.S. (2003). Psychological Science: Mind Brain and Behavior. New York: W.W Norton and Company.
16. McNeil, E & Rubin, Z. (1997). The Psychology of Being Human. New York: Canfield Press.
17. Bernstein, D.A & Nash, P.W. (2002). Essentials for psychology (2nd ed). Boston; Houghton Mifflin Company.
18. Coon ,D. (2001). Introduction to Psychology: Gate Ways to Mind and Behavior (9th Ed).London: Wadsworth.
19. Feldman, R. (2005). Essentials of Understanding Psychology (6th Ed. New York: Mcgraw Hill Companies, Inc
20. Lefton, L.A (2002) Psychology (7th ed). Boston: a Pearson education company.
21. Nairne, J.S. (1999). Psychology:The Adaptive Mind (2nd Ed). Belmont: Wads worththomson Learning.
22. Kim, S.Y. (1999). Corporal Punishment in School .A review of the pros and cons retrieved in April 19th, 2010 from